

Comparison of Alimony Payment Conditions in Permanent and Broken Marriages from the Perspective of Islamic Jurisprudence and Law

Somayeh Moghaddasi Koozeh Konani^{1*}, Jalil Moghaddasi Koozeh Konani², Reza Elhami³

1. Master's Student in Islamic Jurisprudence and Law, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Tabriz, Iran.
2. M.A in Quranic sciences, University of Quranic Sciences and Education, West Azarbaijan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Tabriz University, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:87-100

Article history:

Received: 07 Nov 2023

Edition: 10 Jan 2024

Accepted: 05 Mar 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Alimony; Permanent Marriage; Broken Marriage; Abortion Condition; Law and Jurisprudence.

Corresponding Author:

Somayeh Moghaddasi Koozeh Konani

Address:

Iran, Tabriz, Department of Jurisprudence and Law.

Orchid Code:

0009-0007-8088-4035

Tel:

09398459979

Email:

smoghaddasi5@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The payment of alimony is one of the most important issues in the relationship of couples and the legislator has established special regulations for it. Therefore, in this study, the legitimacy of the conditions of non-payment of alimony in a permanent marriage and its payment in a broken marriage should be investigated.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are qualitative and data collection was used to collect the materials.

Ethical Considerations: In writing the article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been made.

Findings: The conditions of alimony payment depend on the type of marriage. Thus, in a permanent marriage, one of the duties of the husband is a legal document (Article 1106 of the Civil Law). In a permanent marriage, according to the rational and shari'a principle of the rule of will, the couple can agree on the cancellation of future alimony, and in alimony to the wife, unlike a permanent marriage, in a temporary marriage, the husband has no obligation to pay alimony to the wife; Unless it is stipulated in the contract.

Conclusion: The condition of paying alimony in temporary marriage has been accepted by the legislator and there is consensus about it. The principle of the sovereignty of the will of the parties in the contracts also confirms this opinion, but in temporary marriage, alimony is not obligatory, and if there is a condition to pay it, it is not subject to the effects of alimony in permanent marriage.

Cite this article as:

Moghaddasi Koozeh Konani, S; Moghaddasi Koozeh Konani, J; Elhami, R. *Comparison of Alimony Payment Conditions in Permanent and Broken Marriages from the Perspective of Islamic Jurisprudence and Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

مقایسه شروط پرداخت نفقه در نکاح دائم با منقطع از منظر فقه و حقوق اسلامی

سمیه مقدسی کوزه کنانی^{۱*}، جلیل مقدسی کوزه کنانی^۲، رضا الهامی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، تبریز، ایران.

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آذربایجان غربی، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پرداخت نفقه یکی از مهم‌ترین موضوعات در روابط زوجین است؛ و تا آنجا اهمیت دارد که قانون‌گذار، مقررات خاصی برای آن وضع نموده است؛ لذا در این تحقیق به بررسی شروط عدم پرداخت نفقه در نکاح دائم و پرداخت آن در نکاح منقطع پرداخته می‌شود.

مواد و روش: این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. مواد و داده‌ها کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله اصالت متون، صداقت‌داری و امانت‌داری شده است.

یافته‌ها: شرایط پرداخت نفقه به نوع نکاح بستگی دارد. بطوریکه نفقه در نکاح دائم یکی از تکالیف شوهر است و مستند قانونی دارد (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی). در نکاح دائم، مطابق اصل عقلایی و شرعی حاکمیت اراده، زوجین می‌توانند بر اسقاط نفقه آینده توافق نمایند و در انفاق به زوجه، برخلاف نکاح دائم، در نکاح موقت زوج وظیفه‌ای در قبال پرداخت نفقه به زوجه ندارد؛ مگر آنکه ضمن عقد شرط شده باشد.

نتیجه: شرط پرداخت نفقه در نکاح موقت مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته، و در مورد آن اجماع وجود دارد. اصل حاکمیت اراده طرفین در قراردادهای نیز تأییدکننده این نظر می‌باشد؛ اما در نکاح موقت، نفقه واجب نیست و در صورت شرط به پرداخت آن، تابع آثار نفقه در نکاح دائم نمی‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۷-۱۰۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

نفقه؛ نکاح دائم؛ نکاح منقطع؛ شرط اسقاط؛ فقه و حقوق.

نویسنده مسئول:

سمیه مقدسی

آدرس پستی:

ایران، تبریز، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

09398459979

کد ارکید:

0009-0007-8088-4035

پست الکترونیک:

smoghadasi5@gmail.com

۱. مقدمه

این است که در نکاح منقطع شوهر مکلف نیست به زن نفقه پرداخت کند. در حالی که در نکاح دائم زوج مکلف به پرداخت نفقه می‌باشد. بررسی موضوع نفقه در نکاح دائم و منقطع بسیار اهمیت دارد؛ زیرا نفقه به عنوان یکی از مسائل حیاتی در زندگی خانواده و روابط زناشویی مطرح است. در نکاح دائم، بررسی موضوع نفقه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا تضمین مالی و پشتیبانی از خانواده تا سطح اجتناب‌ناپذیری اهمیت دارد. از طرفی، در نکاح منقطع نیز بررسی موضوع نفقه اهمیت دارد؛ زیرا مسئولیت فراهم کردن هزینه‌های زندگی برای مدت معینی بر عهده شوهر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، بررسی و توافق صحیح در مورد نفقه در هر دو نوع ازدواج، نقش بسیار مهمی در استقرار روابط زناشویی و پایداری خانواده دارد؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع نفقه و ملاحظات مطرح در خصوص آن در این مقاله تلاش شده است که وضعیت مقابل این مبنی بر شرط عدم پرداخت نفقه در نکاح دائم و شرط پرداخت نفقه در نکاح منقطع تبیین و مشروعیت آن بررسی گردد. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که مشروعیت شرط عدم پرداخت نفقه در نکاح دائم و شرط پرداخت آن در نکاح منقطع مبتنی بر چه مبانی فقهی و حقوقی است؟ لازم به ذکر است، این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری تهیه شده است. سازمان‌دهی تحقیق حاضر به این صورت است که در بخش نخست وضعیت فقهی و حقوقی نفقه، در بخش دوم شروط مربوط به پرداخت و عدم پرداخت نفقه در انواع نکاح، در بخش سوم مشروعیت این شروط مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد گردید.

حقوق خانواده یکی از مباحث مهم حقوق مدنی را تشکیل می‌دهد. بخشی از قانون مدنی و سایر قوانین خاص به این موضوع اختصاص یافته است. حقوق زن از جمله حقوق مالی که ناظر به زمان زوجیت است؛ حق نفقه است. نفقه به معنای پشتیبانی مالی از همسر، فرزندان یا افراد دیگر است که به توصیه شریعت اسلامی بر عهده فرد توانمند قرار گرفته است. این وظیفه مالی شامل هزینه‌های زندگی اساسی نظیر خوراک، لباس، مسکن و هزینه‌های پزشکی می‌شود. در این مطالعه، نفقه زوجه در ازدواج دائم و موقت مدنظر است. در عقد نکاح احکامی وجود دارد که شائبه معوض بودن این عقد را ایجاد می‌نماید. نکاح دائم به ازدواج دائمی یا ماندگار اشاره دارد که طبق شریعت اسلامی، برخلاف ازدواج موقت، به مدت نامحدود برقرار می‌ماند. این نوع ازدواج با تمرکز بر روابط زوجی و پایداری خانواده همراه است و از اهمیت بسیاری برخوردار است. از طرفی نکاح منقطع به ازدواج منقطع یا موقت اشاره دارد که طبق شریعت اسلامی، برخلاف ازدواج دائم، به مدت معین و تعیین شده برقرار می‌شود. این نوع ازدواج برای مدت زمان خاصی برقرار می‌ماند و پس از اتمام مدت معین، به طور خودکار فسخ می‌شود؛ لذا نفقه از جمله مقرراتی است که بر این شائبه قوت می‌بخشد. طبق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی «در عقد نکاح دائم نفقه زن بر عهده شوهر است». هنگامی که نکاح و روابط زناشویی برقرار شود و زن به وظایف زوجیت خود را ایفا کند، نفقه به‌عنوان حقی برای وی مطرح می‌شود. در حالی که به‌موجب ماده ۱۱۱۳ همان قانون در عقد موقت حتی عقد موقت طولانی‌مدت مثلاً صیغه ۹۹ ساله یا بیشتر زن حق نفقه ندارد. با این تفاسیر وضعیت متداول

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در عقد دائم نفقه زن بر عهده شوهر اوست؛ ولی اگر شرط سقوط نفقه زوجه شود، منافاتی با حق اولیه زوجه ندارد؛ بنابراین شرط نامشروعی نیست زیرا تصریح بر نامشروع بودن آن نشده و همچنین می‌توان براساس نگاه عرف به مقوله نکاح، برداشت نمود؛ که نفقه از مقتضیات ماهیت عقد نکاح نیست و برخلاف مقتضای عقد نمی‌باشد، زیرا مقتضای عقد چیزی است که همواره با عقد باشد، در حالیکه نفقه از عقد نکاح در اثر اموری مانند فوت و نشوز و غیره قابل تفکیک است. در نتیجه، شرط اسقاط نفقه، شرط غیرقابل قبولی در مقتضای عقد و همچنین باطل و مبطل نیست؛ بنابراین، طرفین براساس اصل عقلایی و شرعی حاکمیت اراده، می‌توانند بر سر اسقاط نفقه آینده توافق کنند و این امر، باطل‌کننده عقد نکاح نیست. همچنین شرط پرداخت نفقه در عقد منقطع نیز شرط صحیح و الزام‌آور است و ادله لزوم وفا به شرط شامل آن می‌گردد.

۵. بحث

از منظر فقه اسلامی، نفقه به معنای تعهد مالی و پشتیبانی از افرادی است که براساس شریعت اسلامی بر عهده فرد توانمند (مرد) قرار گرفته است. این وظیفه مالی شامل هزینه‌های زندگی اساسی نظیر خوراک، لباس، مسکن و هزینه‌های پزشکی

می‌شود و به همسر و فرزندان اعمال می‌شود. از دیدگاه حقوقی، نفقه به عنوان یک تعهد مالی تعریف می‌شود که یک فرد به عنوان پشتیبان مالی موظف است، پرداخت کند. این تعهد معمولاً در مواردی از جمله ازدواج، طلاق یا نقض تعهدات مالی تعیین می‌شود و ممکن است به صورت قراردادی یا توسط مقررات قانونی تعیین شود. در هر دو حالت، نفقه به منظور تأمین نیازهای مالی افراد و حفظ استقرار و پایداری زندگی خانواده بسیار اهمیت دارد. از دیدگاه مکتب اسلام، تأمین هزینه خانواده و مخارج زن بر عهده زوج است و زوجه مسئولیتی در این زمینه ندارد، حتی اگر ثروت زیادی داشته باشد، وظیفه‌ای ندارد در تأمین هزینه زندگی مشارکت کند و بر زوج واجب است که هزینه زندگی وی را تأمین نماید (تحریرالوسیله، ج ۲۷، ص ۳۰۹. آیت‌الله خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۹، جواهر الکلام، ج ۳۱)؛ همچنین زن در حفظ دارایی خود استقلال و آزادی کامل اقتصادی دارد، لذا وجوب نفقه زن بر مرد از بدیهیات حقوق اسلامی می‌باشد و آیات و روایات گسترده‌ای نظیر آیاتی در سوره مبارکه نساء آیه ۸ مانند: «الرجال قوامون علی النساء» و سوره مبارکه بقره آیه ۲۳۳ مانند «وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن بالمعروف...» بر آن دلالت دارد. همچنین روایات متعددی (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۳ به بعد باب ۱ از ابواب نفقات) نیز در کتاب وسایل الشیعه در این خصوص آورده شده است. از جمله این روایات می‌توان به روایتی که از امام صادق (ع) در مورد حق زن بر همسرش سؤال شد، اشاره کرد. ایشان فرمودند تهیه غذا، لباس و گذشتن از اشتباهات جاهلانه وی...» (سئل ابر عبدالله (ع) عن حق المرأة علی زوجها، قال یشبع بطنها و یکسو جنبها و اذا جبلت غفر لیا)؛ لذا با رجوع به آیات و روایات

نفقه جزء مقتضیات ذات عقد نکاح است و شرط سقوط نفقه در عقد نکاح موجب بطلان آن می‌گردد.

با توجه به مطالعات انجام‌شده گروهی از حقوقدانان این شرط را مشروع دانسته‌اند و برخی دیگر غیر مشروع، همچنین در نکاح دائم و موقت به دنبال آن هستیم که شرط پرداخت و عدم پرداخت نفقه در آن جایز است یا خیر.

۵-۱. وضعیت فقهی و حقوقی نفقه در نکاح دائم و نکاح منقطع

یکی از مهم‌ترین حقوقی که در شریعت اسلام برای زوجه در نظر گرفته‌شده است حق نفقه می‌باشد که به‌عنوان تکلیفی بر عهده زوج قرار داده‌شده است. نفقه به معنای تمامی نیازهای مرسوم و منطبق با وضعیت زن از جمله البسه، اثاث منزل، مسکن، غذا و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در شرایطی است که عادت یا احتیاج به‌واسطه نقصان یا مرض دارد (لطفی، ۱۳۹۲، ۲۵۱ و ۲۵۲). نفقه در نکاح دائم و منقطع به دلایلی دارای مبانی متفاوتی است. در نکاح دائم، نفقه به عنوان یک وظیفه پایدار و متناسب با وضعیت مالی مرد برای پشتیبانی از خانواده به مدت نامحدود تعیین می‌شود. از آنجا که این نوع ازدواج به صورت دائمی برقرار می‌ماند، نفقه نیز به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی و پایدار تعیین می‌شود. در حالی که در نکاح منقطع، نفقه می‌تواند به عنوان یک تعهد مالی برای مدت زمان معینی تعیین شود. این نوع ازدواج به مدت معین برقرار می‌ماند و در نتیجه نفقه نیز برای این مدت زمان معین تعیین می‌شود. البته نفقه در دو وضعیت فوق می‌تواند شروط متفاوتی داشته باشد.

و سخنان فقها شکی نمی‌ماند که نفقه و هزینه زندگی زوجه بر زوج پس از انعقاد عقد به‌شرط تمکین واجب و لازم است. همچنین در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی نیز نفقه زوجه را بر عهده زوج گذاشته و مقرر است «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر اوست».

ایزدی فرد و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت حقوقی شرط عدم پرداخت نفقه در نکاح دائم پرداختند. آنان با بررسی نظرات فقها و حقوقدانان مختلف اعلام داشته‌اند که متعاقب نظریه صحت شرط عدم نفقه، تعدادی از فقها معتقدند که یک چنین شرطی صحت دارد و بر اصل عقد نکاح، خللی ایجاد نمی‌کند ولیکن این شرط از سوی زوجه، درعین حال لازم الوفاء نیست و ایشان بعد از گذشت زمان هرچند کوتاه، می‌تواند از تعهد خودمنصرف شده و نفقه‌اش را از شوهر بخواهد. نهایتاً وی در ختام تحقیقات خود با رد استدلالی ادله قائلان به بطلان شرط عدم نفقه در عقد نکاح و نقد مبسوط آن‌ها، درستی نظریه صحت چنین شرطی را به اثبات رساندند و مطرح نمودند که بر اساس دیدگاه عرف به نکاح، این امر برداشت می‌شود که نفقه بخشی از مقتضیات ماهیت عقد نکاح نیست و براین اساس، شرط ساقط شدن آن، شرط مخالف مقتضای عقد نبوده و باطل و مبطل نخواهد بود. از این رو مطابق اصل عقلایی و شرعی حاکمیت اراده، زوجین می‌توانند بر اسقاط نفقه آینده توافق نمایند و این عمل حقوقی، نه باطل است و نه مبطل عقد نکاح. رشیدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی فقهی حقوقی شرط عدم پرداخت نفقه در نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی به تحلیل فقهی و حقوقی و عرفی تمکین عام و خاص و عدم استقلال نفقه از تمکین و نیز حق بودن نفقه به این نتیجه رسیده‌اند که پرداخت

۵-۱-۱. نفقه زن در نکاح دائم

نفقه، در عقد دائم، به محض وقوع عقد نکاح، به زن، تعلق می‌گیرد و البته، زن نیز در قبال دریافت آن، باید، از همسر خود، تمکین عام و خاص کند، ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی صراحتاً مقرر می‌کند که «در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است». این ماده یک تکلیف قانونی را بیان می‌کند، فارغ از اینکه آیا زن و شوهر چنین امری را در نکاح خود شرط کرده‌اند یا خیر. به عبارت دیگر تکلیف به پرداخت نفقه توسط قانون‌گذار مقرر شده است که از لوازم قانونی عقد نکاح محسوب می‌شود؛ از این رو لازم نیست که در وقت جاری شدن عقد نکاح زن و مرد توافقی بر پرداخت نفقه زن داشته باشند؛ ولیکن اگر توافق صورت بگیرد که نفقه به زن تعلق نگیرد، یا اندازه و چگونگی آن را شرط کنند، این توافق تا اندازه‌ای اعتبار دارد که مغایر با تکلیف قانونی پرداخت نفقه زوجه نباشد؛ لذا، در صورتی که اندازه نفقه را زیاد کنند یا کیفیت آن را از آنچه قانون‌گذار مقرر کرده، بهبود بخشند، توافق مطروحه بین ایشان اعتبار دارد و لازم‌الاجرا است؛ ولیکن در صورتی که اندازه تعهدات زوج به پرداخت نفقه کاهش داده یا کلاً منتفی شود، یا آن را در اختیار زن قرار دهند، این توافقات تا اندازه‌ای که با قانون مغایرت دارد لازم‌الاجرا نخواهد بود. لازم به ذکر است در ازدواج دائم، وظیفه قانونی برای تأمین مخارج زندگی زن در نظر گرفته شده است. (شریف، ۱۳۶۷ ش.)

۵-۱-۲. نفقه در نکاح موقت

در عقد منقطع یا عقد موقت، قانون‌گذار، به صراحت، در ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی، عدم وجود نفقه را ذکر کرده و به همین دلیل، مرد، الزامی به پرداخت نفقه، به همسر موقت خود، نخواهد داشت، مگر در صورت وجود برخی شرایط. به عبارتی در

نکاح منقطع یا ازدواج موقت، مرد به طور قانونی الزامی به پرداخت نفقه ندارد؛ زیرا این نوع ازدواج به مدت معین برقرار می‌ماند و پس از اتمام مدت مقرر به طور خودکار فسخ می‌شود؛ بنابراین، در این نوع ازدواج، تعهدات مالی محدود به دوره زمانی مشخص شده است و پس از اتمام آن، هیچ الزامی برای پرداخت نفقه وجود ندارد. به علاوه، ازدواج منقطع به طور کلی برای رفع نیازهای موقتی و معینی بسته به شرایط خاص برقرار می‌شود و در نتیجه تعهدات مالی نیز برای مدت معینی تعیین می‌شود. لذا این موضوع از دو منظر اول؛ فقه شیعه، دوم؛ حقوق ایران بررسی می‌شود:

الف- از دیدگاه فقه شیعه

ازدواج موقت در مذهب شیعه برای مدت محدود و از قبل تعیین شده و با مهریه معلوم بین زن و مرد صورت می‌گیرد. الزام شوهر به دادن نفقه از دیدگاه اغلب فقها، تنها از آثار نکاح دائم است و شوهر چنین الزامی در نکاح موقت ندارد. اغلب تعهدات در نکاح موقت ماهیت قراردادی و توافق طرفینی دارد که می‌تواند تمکین، میزان نفقه، ریاست شوهر و کیفیت آن و به نظر بعضی از فقها، اصل ارث را تعیین نماید (عاملی جلی، ۱۴۱۰ هـ ص ۲۹۶). همان‌گونه که سرپرستی شوهر در این نکاح ثابت نیست، تعهد مقابل آن که نفقه است، نیز وجود نخواهد داشت؛ ولیکن زوجین می‌توانند ضمن عقد نکاح موقت شرط کنند که سرپرستی زوجه بر عهده زوج و وی ملزم به تأمین هزینه‌های زندگی زن باشد؛ اگرچه بایستی توجه کرد که ریشه این امر قرارداد است نه شرع یا قانون، لذا در صورت تخلف و امتناع مرد، آثار ترک انفاق که در مورد نکاح دائم مترتب است، جاری نمی‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۳۰۸).

عقد متعه مورد پذیرش قریب به اتفاق اهل سنت نیست و عقدی تحت عنوان «مسیار» در نظر گرفتند که از دیدگاه آنان دائمی است؛ اما همه خصوصیات عقد متعه در مذهب شیعه را داراست، به عبارتی زن در عقد مسیار همچون عقد متعه حق نفقه، حق ارث و حق قسم ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ ج ۶، ص ۳۷؛ قرافی، ۱۹۹۴ م، ج ۴، ص ۴۰۴) «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» را برخی از اهل سنت به معنای نکاح دائم و نه به معنای تلذذ یا متعه در نظر گرفتند و بعضی دیگر متعه را در این آیه شریفه نکاح موقت در نظر دارند (قرطبی، ۱۴۰۵ هـ ج ۵، ص ۱۳۲)، اگرچه استمتاع در هیچ کدام از منابع لغت، به معنای نکاح دائم ارائه نشده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ ج ۵، ص ۱۲).

تمکین از منظر مشهور فقهای شیعه، همانند عوض یا شبه عوض در مقابل نفقه است و نفقه مشروط به تمکین در نظر گرفته شده و وجوب آن را به عقد دائم و تمکین کامل زوجه مشروط می‌دانند (حلی، ۱۴۱۳ هـ ص ۵۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۴۶۵؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ ج ۱۲، ص ۵۲۱) تنها علتی که معتقدان به این نظر طرح کرده‌اند، شهرت بین فقها است و هیچ آیه و روایتی دال بر این شرط، وجود ندارد (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۳۱، ص ۳۰۴) برخی فقها علت وجوب نفقه را عقد نکاح می‌دانند و معتقدند عقد، سبب وجوب انفاق است و فقط نشوز باعث سقوط نفقه خواهد شد چراکه ادله وجوب نفقه، بر عنوان زوجه حمل می‌شود و زوجیت هم به مجرد عقد ایجاد می‌شود، پس (مؤمن سبزواری، ۱۴۲۳ هـ ج ۲، ص ۲۹۷).

ب- از دیدگاه حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، مبنای نفقه در نکاح موقت ماده ۱۱۱۳ است، که با قبول ماهیت قراردادی برای نفقه در نکاح منقطع، حیثه آزادی اراده طرفین را

بسط داده است. در نکاح موقت، قانون‌گذار اصل را عدم وجوب نفقه دانسته است و به جهت رفع ابهام در این زمینه، بیان داشته است: «در نکاح موقت حق نفقه‌ای برای زن نیست» (منصور، ۱۳۸۹، ص ۳۰۷). زوجین نظر به اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ قانون مدنی، می‌توانند بر وجوب پرداخت نفقه در قرارداد بین خودشان تأکید کنند یا مبنای عقد موقت یا منقطع را پرداخت نفقه قرار دهند؛ هرچند به صورت توافق کتبی تدوین نشده باشد. یکی از پیامدهای خلاف اصل بودن وجوب انفاق در نکاح منقطع، از منظر بار اثباتی این موضوع است، به گونه‌ای که مدعی شرط انفاق یا قرار گرفتن مبنای نکاح منقطع بر انفاق به زوجه، باید این ادعا را به اثبات برساند، چراکه شرط او برخلاف اصل است و بایستی صحت ادعای خود را توجیه کند. قانون‌گذار در رابطه با نفقه در نکاح موقت، به ماده ۱۱۱۳ استناد کرده است. وفق این ماده: «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد؛ مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۶۷۵).

۵-۲. شروط نفقه در نکاح دائم و منقطع

در نکاح دائم، شروطی درباره نفقه معمولاً به صورت مشخص و الزام‌آور تعیین می‌شود. این شروط ممکن است شامل مقدار و روش محاسبه نفقه، تغذیه، مسکن و هزینه‌های پزشکی باشد. این شروط به منظور تضمین حقوق مالی و پشتیبانی از همسر و فرزندان برای مدت طولانی‌تر اعمال می‌شود؛ اما در نکاح موقت، شروط مربوط به نفقه ممکن است برای مدت زمان معین و به صورت موقت تعیین شود. در این نوع ازدواج، شروط مربوط به نفقه معمولاً به منظور تعیین حقوق مالی و پشتیبانی برای دوره زمانی خاصی تعیین می‌شود که پس از آن ازدواج به طور خودکار فسخ می‌شود.

۵-۲-۲. شرط نفقه در نکاح منقطع

در خصوص نفقه زن در صیغه توضیح داده و گفته شد که با توجه به صراحت قانون‌گذار، هنگام تعیین تکلیف نفقه در دوران عقد موقت، در ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی، زن در صیغه، از نفقه، برخوردار نخواهد بود، مگر در شرایطی که قانون‌گذار، پیش‌بینی کرده است. برای اطلاع از شرایط وجود نفقه در صیغه، باید به ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی، رجوع کرد. ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی، در خصوص شرایط وجود نفقه عقد موقت، مقرر می‌دارد: «در عقد انقطاع، زن، حق نفقه ندارد؛ مگر اینکه شرط شده باشد یا آنکه عقد، مبنی بر آن، جاری شده باشد». بر اساس این ماده از مواد قانون مدنی، شرط وجود نفقه صیغه و تعلق نفقه عقد موقت به زن، این است که زوجین، این امر را شرط کرده باشند یا قبل از عقد، بر آن توافق کرده و عقد، بر مبنای آن، منعقد شود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۷۷).

شایان ذکر است، با توجه به عدم ضرورت ثبت عقد موقت، مگر در شرایط مورد پیش‌بینی قانون‌گذار که شامل بارداری زوجه در صیغه، وجود شرط ضمن عقد، مبنی بر ثبت عقد یا توافق بر ثبت می‌باشد، در صورتی که زوجین، قصد داشته باشند، عقد موقت خود را ثبت کنند و صیغه نامه بگیرند، می‌توانند، شرط نفقه را به‌عنوان یکی از شروط ضمن عقد، در عقدنامه خود، درج نمایند. در صورت شرط نفقه صیغه، زن می‌تواند، هنگامی که مرد، از پرداخت آن، استنکاف ورزید، برای مطالبه نفقه عقد موقت، اقامه دعوا کند و در صورت اثبات ترک انفاق کیفری، مرد را با مجازات جرم ترک انفاق کیفری که حبس می‌باشد، مواجه نماید.

همچنین شروط مربوط به نفقه می‌تواند به منظور عدم پرداخت آن در نکاح دائم و پرداخت آن در نکاح منقطع صورت پذیرد. با توجه به اینکه مشروعیت عدم پرداخت نفقه در نکاح دائم و پرداخت نفقه در نکاح منقطع با ملاحظاتی همراه است و از سوی برخی رد و از سوی برخی مورد پذیرش قرار گرفته در این قسمت به بررسی شروط هر یک پرداخته شده است.

۵-۲-۱. شرط نفقه در نکاح دائم

پرداخت نفقه در عقد دائم در صورتیکه زوجه از زوج تمکین به عمل بیاورد، به موجب ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، مستحق دریافت نفقه می‌باشد و زوج مکلف به پرداخت نفقه به زوجه می‌باشد؛ لذا در صورتیکه زوج از پرداخت نفقه در عقد دائم خودداری نماید، زوجه می‌تواند جهت مطالبه نفقه خود از طریق دادگاه اقدام نماید (قانون مدنی، ۱۳۷۰). همان‌طور که گفته شد، پس از ثبت عقد دائم، زن و شوهر نسبت به یکدیگر وظایفی دارند که می‌بایست انجام دهند؛ لذا یکی از این وظایف که به زوجه در عقد دائم نفقه تعلق می‌گیرد، تمکین اوست. در قانون به‌صورت صریح مقدار مشخصی برای نفقه در عقد دائم مشخص نشده است، ولیکن زوجه می‌تواند برای درخواست نفقه خود به دادگاه مراجعه کند که در این صورت دادگاه موضوع را به کارشناس ارجاع می‌دهد و کارشناس مربوطه پس از بررسی دقیق اوضاع مالی زوجه، شأن خانوادگی او، محل سکونت و غیره میزان نفقه زوجه را مشخص می‌نماید، پس مبنای نفقه در عقد دائم، جایگاه و شأن زوجه می‌باشد؛ لذا تمکن مالی زوج برای تعیین نفقه ملاک عمل نمی‌باشد (محمودی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۳۴).

۵-۳. مشروعیت شروط نفقه در نکاح دائم و نکاح منقطع

در نکاح دائم، ضرورت پرداخت نفقه براساس تصریح قانون مدنی، واجب و لازم‌الاجرا است؛ چرا که ماده ۱۱۰۶ این قانون، آمرانه است و توافقات متناقض با آن قابل‌پذیرش نمی‌باشد و بنابراین اسقاط ناپذیر است، مگر اینکه زوجه موافق اسقاط باشد؛ اگرچه در این رابطه اختلاف نظرانی دیده می‌شود؛ ولیکن مشهور فقها و حقوقدانان معتقدند، نفقه در نکاح دائم مقتضای عقد نکاح دائم و واجب است و به غیر ترخیصی بودن حکم نفقه و امری بودن قانون نفقه حکم داده‌اند، بنابراین شرط اسقاط نفقه در نکاح دائم را شرط خلاف مقتضای عقد نکاح و برخلاف شرع و نیز از مصادق‌های اسقاط مالم‌یجب دانسته‌اند (یوسفیان، بی‌تا، ص ۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ ج ۷، ص ۴۱)؛ اگرچه بعضی فقها اسقاط نفقه پیشین و آتی از سوی زوجه را می‌پذیرند (ر.ک: خویی، ۱۴۱۰ هـ، ص ۲۸۹) در نکاح موقت وفق ماده ۱۱۳ قانون مدنی، شرط پرداخت نفقه از دیدگاه اعمال حق است، نه حکم و خلاف مقتضای اطلاق عقد و از جمله قوانین تکمیلی می‌باشد که هرگونه شرط مشروعی در راستای اعمال یا اسقاط آن درست و براساس اراده طرفین است؛ به‌گونه‌ای که در شرط آن یا پس از شرط در اسقاط آن اختیاردارند، چرا که حق برای فرد سلطنت ایجاد می‌نماید و نیز اختیار اسقاط می‌دهد؛ اما حکم این‌گونه نمی‌باشد (خوانساری، ۱۴۱۸ هـ، ص ۱۰۹) مشخص است اگر نفقه را حق بدانیم، زن می‌تواند آن را به‌موازات عقد نکاح یا عقد دیگری اسقاط کند یا بر عدم دریافت آن از طریق صلح، توافق نماید. ولیکن اگر آن حکم دانسته شود، اراده زوجین در برابر آن ارزشی ندارد و زن نمی‌تواند آن را اسقاط کند. در مقام داوری

از میان نظرات مطروحه، بایستی اذعان نمود نظریه‌ای که نفقه را حق می‌داند، صحیح‌تر است. شواهد و مؤیدات این احتمال از این‌قرار است که به‌اتفاق تمامی فقها، اگر مدت‌زمانی گذشت و زوج نفقه زوجه را نپرداخت، نفقه ایام ماضی به‌صورت دین بر ذمه زوج است و زوجه می‌تواند آن را از عهده زوج از طریق ابراء ساقط کند یا واگذار به دیگری نماید (محقق داماد، بی‌تا: ۲۹۳) و این قابلیت، همان‌طور که پیشتر اشاره شد، از ممیزات حق است.

۵-۳-۱. شرط سقوط نفقه در نکاح دائم

همان‌طور که گفته شد نفقه زوجه به‌عنوان یک حق مالی بر عهده مرد است و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت دارد و از مسلمات حقوق اسلامی است و قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۰۶ بر آن تصریح دارد؛ اما گاهی اتفاق می‌افتد که زن به دلیل داشتن تمکن مالی زیاد، قادر به اداره مالی خود می‌باشد؛ بنابراین آیا زوجین می‌توانند در ضمن عقد سقوط حق نفقه زن را شرط کنند و یا زوجه مخارج و هزینه‌های زوج را متقبل شود؟ در شرایط توافق بر چنین شرطی در ضمن عقد، شرط دارای اعتبار و نفوذ حقوقی می‌باشد و زن بایستی پای بند بدان باشد و یا اینکه شرط باطل است؟ شیخ طوسی در النهایه (النهایه کتاب النکاح (با ترجمه فارسی)، ج ۲، ص ۴۸۲) می‌گوید: در صورتی که شرط عدم نفقه در عقد دائم مطرح شود، باطل می‌باشد و مرد بایستی نفقه را پرداخت کند و ابن حمزه در الوسيله (الوسيله، ص ۷۵۳ از جوامع الفقیه) نیز بر این نظر است. فاضل هندی می‌گوید: در صورتی که شرط عدم نفقه مطرح شود، باطل است چرا که خلاف مقتضای عقد است (محمد بن حسن فاضل هندی اصفهانی، ج ۲، ص ۸۲).

ب - حق نفقه قابل مصالحه و اسقاط است (حکیم، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۷).

ج - قدرت بر پرداخت نفقه شرط صحت عقد نکاح نیست، یعنی حتی در صورت عدم قدرت پرداخت نفقه، عقد نکاح صحیح و زوجیت برقرار می‌گردد (همان).

د - با موت زوج، زوجه حق نفقه ندارد (وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۹ از ابواب نفقات) و قانون مدنی نیز در این رابطه در ماده ۱۱۱۰ می‌گوید «در عده وفات زن حق نفقه ندارد».

بنابراین شرط عدم نفقه خلاف مقتضای عقد نیست زیرا مقتضای عقد امری است که همیشه با آن باشد و قابل زوال نباشد و حال آنکه نفقه در موارد مذکور منتفی یا ساقط می‌شود. پس دلیلی بر بطلان این شرط وجود ندارد زوجه می‌تواند بوسیده شرط از حق خود صرف‌نظر نماید.

۵-۳-۲. شرط پرداخت نفقه در عقد منقطع

در عقد منقطع همان‌گونه که طرفین از یکدیگر ارث نمی‌برند، زوجه حق نفقه نیز ندارد. عدم استحقاق زوجه در عقد موقت نسبت به نفقه مورد اتفاق فقها و مصرح در روایات است (وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۴۵ ابواب متعه)؛ اما در صورتی که در ضمن عقد شرط شود که زوج نفقه زوجه را بپردازد، شرط جایز و ادله وفا، به شروط صحیح آن را الزام‌آور می‌داند و تابع قرارداد طرفین است، زیرا این شرط مخالفی با شرع نداشته و مغایر با مقتضای عقد نیز نیست و در فقه شرط پرداخت نفقه به زوجه در عقد متعه پذیرفته شده است و ماده ۱۱۱۳ ق. م نیز بر آن تصریح دارد «در عقد، انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد»؛ بنابراین شرط پرداخت نفقه در عقد متعه شرطی جایز است و ادله لزوم وفاء به شرط، شامل آن می‌گردد.

کاتوزیان از صاحب‌نظران حقوق مدنی معتقد است: از آنجاکه ریاست خانواده بر عهده زوج است، قانون‌گذار وی را به تأمین معاش موظف نموده و این از توابع ریاست وی بر خانواده و از حکم قانون ناشی می‌شود. همچنین دارای ریشه قراردادی نیست به همین علت ضمن عقد نکاح یا بعد از آن تکلیف مرد از این بابت ساقط شدنی نیست (حقوق خانواده ص ۱۸۲). امامی نیز در این خصوص می‌گوید، انفاق دائم زوجه چنانکه از ماده ۱۱۰۶ ق. م (حقوق مدنی، ج ۲، ص ۳۶۸) استنباط می‌شود از قوانین آمره محسوب می‌شود؛ لذا شرط عدم انفاق باطل است و همین‌طور اگر شرط شود که زوجه بخشی از نفقه خود را بدهد؛ اما به نظر می‌رسد قبول چنین شرطی بلاشکال است چرا که نفقه تکلیف شوهر است ولی این تکلیف تا زمانی اعتبار دارد که زن از حق دریافت، نفقه چشم‌پوشی ننماید؛ لذا اگر زوجه حق خود را از این نظر ساقط نمود، تکلیفی برای زوج باقی نمی‌ماند؛ بنابراین این شرط را نمی‌توان شرط نامشروع در نظر گرفت چرا که:

اولاً - تصریحی بر نامشروع بودن چنین شرطی نشده است.

ثانیاً - نفقه از جمله آثار مستقیم عقد نکاح نمی‌باشد؛ بنابراین شرط سقوط آن نیز نمی‌تواند برخلاف مقتضای عقد باشد؛ چرا که مقتضای هر عقد امری است که همیشه با عقد باشد و به هیچ‌وجه از آن قابل تمییز نباشد. در حالی که نفقه از اموری است که از عقد نکاح قابل تفکیک است و امور زیر تأییدی بر این ادعاست:

الف - وجوب نفقه مشروط به تمکین یا عدم نشوز زوجه است و در صورت عدم تمکین نفقه ساقط می‌شود.

۶. نتیجه

نفقه یکی از مواردی است که در فقه و حقوق به آن توجه ویژه‌ای شده است. نفقه به معنای تأمین هزینه‌های اقامتی و معیشتی زوجه است که قانوناً به شرط تمکین وی، بر عهده مرد قرار داده شده است. این وظیفه بر پدر و شوهرها برقرار شده است و به منظور حمایت از افراد ناتوان و افزایش استقرار امنیت و ثبات اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. استفاده از اصطلاح «وجوب» نیز به معنای لازم الوقوع بودن است؛ البته به شرط تمکین زوجه بنابراین، در اسلام، نفقه به عنوان یک واجب شرعی در نظر گرفته شده است و فردی که بر عهده دار نفقه می‌باشد، ملزم به انجام آن است. از این رو نقض و تخلف از وظیفه نفقه از دیدگاه اسلامی محکوم است و تحت مجازات قرار می‌گیرد. به طور کلی، اهمیت نفقه در جامعه اسلامی به تقویت و تثبیت امنیت مالی و اجتماعی افراد و خانواده‌ها کمک می‌کند و به عنوان یک وظیفه شرعی مورد تأکید واقع شده است. با توجه به اهمیت و جایگاه نفقه در فقه و حقوق، در این مقاله تلاش شد به بررسی شروط عدم پرداخت نفقه در نکاح دایم و پرداخت آن در نکاح موقت پرداخته شود. در مورد نفقه در نکاح دایم، چه زن نیاز به نفقه داشته و یا نداشته باشد، شوهر وظیفه دارد تا زن را مالاً حمایت کند و نیازهای او مانند مسکن، غذا، لباس و سایر نیازهای ضروری را تأمین کند. این وظیفه مالی بر عهده شوهر است و باید به موقع و به میزان مناسب انجام شود. در این نوع ازدواج، نفقه همچنان به عنوان یک وظیفه قانونی و شرعی برای شوهر تلقی می‌شود و باید به موقع و به اندازه کافی ارائه شود تا زن بتواند به نحوی مناسب زندگی کند. در نکاح منقطع یا ازدواج موقت، نفقه به عنوان یک وظیفه بر عهده شوهر نیست. در این

حالت، شوهر می‌تواند نیازهای معیشتی و اقامتی زن را تا طی مدت تعیین شده این نکاح تأمین کند؛ بنابراین، شوهر می‌تواند به زن نفقه ارائه دهد تا او بتواند به خوبی زندگی کند و نیازهای خود و فرزندانش را تأمین کند. این وظیفه از جانب شوهر می‌تواند برای طرفین قرارداد ازدواج منقطع لازم الوقوع محسوب شود؛ اما به طور کلی الزامی برای آن وجود ندارد. اهمیت نفقه در این حالت همچنان به منظور حمایت از زن و فراهم کردن شرایط لازم برای زندگی معقول و مناسب برای او و فرزندانش مورد تأکید است.

لذا عدم پرداخت نفقه به زن در حالاتی که شوهر قادر به پرداخت آن است، می‌تواند منجر به شکایت زن و تحقق خسارت‌های مالی و انسانی شود. این امر بر اساس احکام شریعت اسلامی به منزله تخلف از وظیفه شرعی شمرده می‌شود. به طور کلی، عدم پرداخت نفقه در حالی که شرایط مالی فرد این امکان را فراهم می‌کند، در نکاح دایم می‌تواند به عنوان تخلف از وظیفه مالی و اخلاقی مورد نظر تلقی شود. در صورتی که شوهر بتواند نفقه را پرداخت کند؛ اما این کار را انجام ندهد، زن می‌تواند از طریق مراجع قضایی و شرعی به دادگاه مراجعه کرده و از حقوق خود دفاع نماید؛ بنابراین، در حالات عدم پرداخت نفقه در نکاح دایم، به طور کلی شرایط مالی و قدرت پرداخت شوهر مورد بررسی قرار می‌گیرد و عدم پرداخت نفقه در صورت امکان می‌تواند به عنوان تخلف از وظایف شرعی و قانونی تلقی شود. از طرفی در نکاح منقطع یا ازدواج موقت، پرداخت نفقه به عنوان یک شرط ضروری و اساسی تلقی نمی‌شود مگر اینکه بر سر آن توافق شده باشد. این موضوع بر اساس اصول شریعت اسلامی و قوانین مربوط به ازدواج موقت، به عنوان یک وظیفه مالی و اخلاقی از طرف شوهر در نظر

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

گرفته می‌شود؛ بنابراین، در صورتی که شخصی تصمیم به ازدواج موقت گیرد، تعهد به پرداخت نفقه به زن می‌تواند برای مدت معینی از جمله شرایط واجب برای انجام این ازدواج در نظر گرفته شود. در چنین شرایطی اگر شوهر عاجز از پرداخت نفقه باشد، زن حق دارد از حقوق خود دفاع نماید. در مجموع، پرداخت نفقه به عنوان یک شرط ضروری در نکاح منقطع تلقی نمی‌شود.

با توجه به موارد فوق و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در این مطالعه در عقد دائم نفقه زن بر عهده شوهر اوست ولی اگر شرط سقوط نفقه زوجه شود، منافاتی با حق اولیه زوجه ندارد؛ بنابراین شرط نامشروعی نیست زیرا تصریح بر نامشروع بودن آن نشده و همچنین می‌توان براساس نگاه عرف به مقوله نکاح، برداشت نمود که نفقه از مقتضیات ماهیت عقد نکاح نیست و برخلاف مقتضای عقد نمی‌باشد زیرا مقتضای عقد چیزی است که همواره با عقد باشد، در حالیکه نفقه از عقد نکاح در اثر اموری مانند فوت و نشوز و غیره قابل تفکیک است در نتیجه، شرط اسقاط نفقه، شرط غیرقابل قبولی در مقتضای عقد و همچنین باطل و مبطل نیست؛ بنابراین، طرفین براساس اصل عقلایی و شرعی حاکمیت اراده، می‌توانند بر سر اسقاط نفقه آینده توافق کنند و این امر، باطل و مبطل عقد نکاح نیست. همچنین شرط پرداخت نفقه در عقد منقطع نیز شرط صحیح و الزام‌آور است و ادله لزوم وفا به شرط شامل آن می‌گردد.

منابع

- رشیدی، آرزو و پارسا، فرزاد و حیدری، محمدعلی، «بررسی شرط عدم پرداخت نفقه در عقد نکاح از دیدگاه مذاهب اسلامی»، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره: ۳، شماره: ۳، ۱۳۹۶.
- رملی، شمس‌الدین محمد، «نهایه المحتاجالی شرح المنهاج»، بیروت، دار الفکر. ۱۴۰۴ ه ق.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، «کفایة الاحکام»، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۳ ه ق.
- سهرابی، یاسر، «قواعد عمومی قراردادها»، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- شریف، علی، «نفقه و تمکین در حقوق خانواده»، تهران، بشارت، ۱۳۶۷.
- عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، «مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام»، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۰۵ ه ج ۱۴۳۱، ۵ ه ق.
- عاملی جبعی، طباطبایی حائری، «معالم الدین و ملاذ المجتهدین (قسم الاصول)»، ۱۴۱۸ ه ق.
- قرطبی یوسف بن عبدالله، «الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الامصار»، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۰.
- کاتوزیان، ناصر، «مقدمه علم حقوق»، چاپ چهل و چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
- امامی، میرسیدحسن، «حقوق مدنی»، جلد پنجم، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۴.
- امامی، میرسیدحسن، «حقوق مدنی»، جلد چهارم، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۴.
- امامی، میرسیدحسن، «حقوق مدنی»، جلد سوم، چاپ چهل و یکم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۴.
- ایزدی فرد، علی اکبر، دهکلانی، محمد محسنی، ادبی، فیروزجایی رزاق، «وضعیت حقوقی شرط عدم نفقه در نکاح دائم»، نشریه آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۸، ۳، ۱۳۹۲.
- حلّی، یحیی بن سعید، «الجامع للشرائع»، قم، سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۱۳ ه ق.
- خسروی، فاطمه، پورعبداله، کبری، و هاشمی نژاد، نسبی، اشتراط نفقه در نکاح موقت. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۵ (۷۲)، ۱۸۷-۱۶۱، ۱۳۹۹.
- خوانساری، سید احمد، «جامع المدارک فی شرح المختصر النافع». تهران: مکتب الصدوق، ۱۴۱۸ ه ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، «منهاج الصالحین»، نشریه مدینه العلم، ۱۴۱۰ ه ق.
- دیانی، عبدالرسول، «حقوق خانواده»، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷.

- کاتوزیان، ناصر، «مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران»، چاپ هفتاد و نه تهران، شرکت سهامی انتشار. ۱۳۹۰.
- کاتوزیان، ناصر، «دوره حقوق مدنی خانواده»، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، «حقوق مدنی: خانواده»، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- لطفی، اسدالله، «سلسله مباحث فقهی و حقوقی» جلد اول، چاپ دوم، تهران انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
- لطفی، اسدالله، «سلسله مباحث فقهی و حقوقی حقوق خانواده»، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
- محقق داماد، سید مصطفی، «بررسی فقهی حقوقی خانواده، نکاح و انحلال آن»، انتشارات قم، ۱۳۸۷.
- محمودی، سیده فاطمه، ایزدی فرد، علی اکبر، و مومنی، عابدین، «نفقه زوجه و مقاصد شریعت»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، ۱۴۰۰.
- مکارم شیرازی، «کتاب النکاح، استفتائات جدید»، قم، انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب، ج ۶، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- مکارم شیرازی، «کتاب النکاح»، قم، انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب، ج ۵، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- منصور، جهانگیر، «قانون مدنی»، تهران: نشر پیک فرهنگ، ۱۳۸۹.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم، «مصباح الفقاهه»، جلد ۱، ص ۱، ۱۲۷۸.
- نجفی، محمدحسن، «جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام»، چاپ دوم، تهران، المکتبۃ الاسلامیه، ج ۳۱، ۱۳۶۶.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني